

رسالت جهانی پیامبر اسلام (ص) از منظر قرآن

صالح حسن زاده*

استادیار فلسفه اسلام و غرب، دانشگاه علامه طباطبایی

حدیثه سلیمانی**

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

(تاریخ دریافت: 1390/04/04، تاریخ تصویب: 1390/06/07)

چکیده

آن روز که بار دیگر در رحمت الهی بر روی بندگان گشوده شد و کوه حرا میزبان اولین آیات حیات بخش الهی و خاتم النبیین (ص) و جبرئیل امین (ع) بود، قلب محمد (ص) مدخل و منزل نزول وحی الهی شد و او به امر اله خواند: «إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ...». او که تا دیروز چیزی از این آیات نمی دانست، حال آیات الهی را می خواند و مأمور است که اینها را به مردم برساند. اما این مردمی که سالیان دراز با فرهنگ و آداب آباء و اجدادی شان خو گرفته اند، چطور می توانند دست از حداقل بخشی از آنها بکشند و آنها را رها کنند و سخنان مُرسل الهی را گوش فراداده و بپذیرند؟! شخص نبی (ص) چگونه و به چه ترتیب باید رسالت الهی خویش را برایشان مطرح و بازگو نماید؟! آیا این رسالت همانگونه که عده ای از جمله مستشرقان ادعای آن را دارند، مختصّ جامعه ای خاصّ، قبیله ای منفرد، نژادی ویژه و

*. E-mail: sa.hasanzadeh@yahoo.com

** E-mail: h_soleymani@yahoo.com

... می‌باشد یا نه، شامل تمام مردم در تمام اعصار و تمام مکان‌ها می‌شود؟
آیا راهی برای پاسخ‌دادن به اشکال آنانی نیست که امر رسالت نبی گرامی را
منحصر به شرایط و افراد و زمان و مکان می‌نمایند؟ و ...
اینها مطالبی است که سعی شده در این پژوهش بررسی شود و گفته خواهد
شد که دین اسلام و رسالت الهی پیامبر (ص) تخصیص‌بردار و
محدودیت‌بردار نیست، بلکه فراگیر و همگانی است.
واژگان کلیدی: قرآن، تفسیر، رسالت پیامبر اسلام، جهانی، دائمی.

پیش از شروع بحث، یادآوری می‌شود از آنجا که نظر قطعی درباره‌ی ترتیب نزول آیات وجود ندارد، لذا مبنا در این بحث، روایت ترتیب نزول آیات و سُور به نقل از ابن عباس می‌باشد که علامه طبرسی در مجمع‌البیان ذیل تفسیر سوره‌ی «انسان» و آیه‌الله معرفت در جلد اول کتاب التمهید بیان کرده‌اند.

از آنجا که به نظر می‌رسد تنها واژه‌ی مشکل «تفسیر تاریخی» می‌باشد، لذا به تعریف آن می‌پردازیم: تفسیر تاریخی بر این اصل استوار است که به کمک «روایات مختلف مکی و مدنی، اسباب نزول و تاریخ پیامبر اسلام (ص) و زمان و ترتیب تاریخی سوره‌ها و آیات از یک سوره شناسایی و معین گردد» (نکونام، 1380: 2) تا نموداری از جریان دعوت نبی اکرم (ص) از ابتدای رسالت و نزول قرآن تا پایان عمر شریف ایشان ترسیم شود و فلسفه و مراد آیات به این ترتیب روشن شود.

پس مراد از تفسیر تاریخی رسالت نبی اکرم (ص)، مرتب‌کردن پاره‌ای از آیات مرتبط با این مبحث برحسب نزول آنهاست تا نظر قرآن را در این باره جویا شده و استخراج کنیم و بتوانیم به برخی از شبهات پیش روی این مباحث در حدّ توان و امکان پاسخ دهیم.

دعوت عمومی به حق و عدل

بنا بر ترتیب نزول، اولین آیاتی که متعرض بحث رسالت جهانی پیامبر (ص) شده‌اند، آیات 8 و 9 سوره‌ی اعلی با پیام «فراموشی علّت عناد و غفلت» می‌باشند که در سال‌های اولیه‌ی بعثت در مکه نازل شده‌اند. آیات می‌فرماید: «وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَىٰ * فَذَكَرْ إِن نَّفَعَتِ الذُّكْرَىٰ» (اعلی / 8 و 9). این آیات تبیین وظیفه ی پیامبر است که خداوند او را فرستاده که مردم را به سوی حق و عدل فراخواند. سپس، خداوند خود سختی های

امر رسالت را برایش آسان می‌کند و وظیفه‌ی پیامبر، این است که با توجه به شناختی که قریش دارد. اگر سودی و خیری در دعوت آنان می‌بیند، به آنها مسأله‌ی حیات بخش زندگیشان را یادآور شود و او در تمام مراحل زندگی رسالی خویش - دریافت، ابلاغ، عمل به وحی - امانت‌داری می‌کند و پیام حق را به گوش جهانیان می‌رساند. از سوی دیگر، با این آیات پیامبر را دلداری داده که در راهی که تو در پیش داری، مشکلات و سختی‌ها فراوان است و در تمام امور به تو یاری می‌دهیم و مشکلات را بر تو آسان می‌کنیم.

بعد از بیان موهبت وحی آسمانی به پیامبر اکرم (ص)، وعده‌ی توفیق و تسهیل امور برای او، به ذکر مهم‌ترین وظیفه‌ی او پرداخته که تذکر اگر تذکر مفید باشد و برنامه‌ی عملی پیغمبر اکرم (ص) گواه این است که او برای تبلیغات و تذکرات خود هیچ قید و شرطی قائل نبود و همگان را وعظ می‌کرد و اندرز می‌نمود» (مکارم شیرازی و دیگران، 1359: 396-397).

پس وظیفه‌ی پیامبر از همان نخستین سال‌های دعوت، فراخواندن «تمام مردم» به حق و حقیقت بوده است و در این راه او باید به خدای خویش توکل کند و یقین کند که خداوند او را در امر رسالت یاری کرده و پیروز می‌گرداند. مفسر ارجمند، سید محمدحسین فضل‌الله، می‌نویسد: «وظیفه‌ی پیامبر است که مردم را از ظلمت فکری و روحی که مانع نفوذ نور در عقل‌هایشان می‌شود، خارج کند و از خواب غفلت بیدارشان نماید و تحوّل در آنها با یادآوری خدا و روز قیامت و شناساندن مسأله‌ی حیثیت‌های آنها به‌وجود آورد تا اینکه آنها نیز با افق‌های وسیع فکری با رسالت هدایت‌کننده (عقیده و شریعت نبی (ص)) برخورد کنند. این اسلوبی است که چاره‌ای جز تکرار آن نیست» (فضل‌الله، 1419 ق.، ج 24: 213).

نگاهی دیگر به آیه

صاحب مجمع‌البیان می‌گوید: «إن نفعت الذكرى» شرطی است که جوابش محذوف است و مذکر بر آن دلالت می‌کند و تقدیرش آن است که یادآوری کن؛ چه سود بدهد و چه نفعی نرساندشان و این شرط حقیقی نیست. معنایش آن است که اگر موعظه سود می‌دهد یا نمی‌دهد، تو آنها را پند کن، زیرا تو برای انذار و آگاهی دادن آنها برانگیخته شده‌ای، پس بر توست که در تمام شرایط و احوال آنها را یادآوری کنی» (طبرسی، 1415 ق، ج 10: 719 و 722).

اما خداوند خود می‌داند که تنها مؤمنین هستند که پند و اندرزها و تعالیم نبی (ص) در جان آنها فرو می‌نشیند و به سوی حق هدایت می‌شوند. بر همین اساس است که در چندین سوره بعد، در سوره‌ی ذاریات، می‌فرماید: «وَذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» (ذاریات / 55).

پس نتیجه این می‌شود که: وظیفه‌ی پیامبر، ابلاغ تعالیم الهی است، هرچند این تعالیم فقط در جان افرادی می‌نشیند که خود خواستار هدایت خود باشند و شرایط روحی و معنوی را در خود فیا هم آورده باشند.

پیامبری برای همه

پس از نزول چندین سوره در مکه، این بار در سوره‌ی اعراف، صریح و مستقیم بر پیامبر (ص) امر شده است که رسالت خود را به همه اعلان کند، چنانکه می‌فرماید: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (اعراف / 158). در این آیه می‌فرماید: «رسول خدا، پیامبری برای همه‌ی مردم است و همه را به پیروی از او دعوت می‌کند. گویی مخصوصاً می‌خواهد مخاطب را اهل

کتاب (تورات و انجیل) قرار دهد و اعلان کند که رسالت نبی (ص)، مخصوص عرب امّی (غیر الکتابین) نیست و قطعاً شامل آنها و غیر آنها از جمیع اجناس و الوان و ادیان می‌شود» (دروزه، 1421 ق.، ج 2: 462).

این آیه شمول دعوت نبی (ص) را می‌رساند که در عین امّی بودن - اگر آن را به معنای بی‌سوادی بگیریم - آئینی آورده است که مایه‌ی نجات تمام بشر است و وظیفه‌ی هر فرد است که از او پیروی کند تا هدایت یابد. «خداوند به پیامبر خود دستور می‌دهد که به تمام طبقات بشر نبوت خود را اعلام کند، بدون اینکه آن را مخصوص قومی کند، جمله‌ی «لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ» تعلیمی است که امکان رسالت از سوی خدا را فی‌نفسه بیان نموده و در ثانی، امکان عمومیت این رسالت را اثبات می‌کند و بدین وسیله تعجب بنی اسرائیل را که چگونه ممکن است مردی غیر یهود آن هم از طبقه‌ی درس‌نخوانده به چنین نبوت جهانی بپسند، از بین می‌برد» (طباطبایی، 1378، ج 8: 368).

این آیه مکی است و تأیید می‌کند که رسالت اسلامی نبی (ص) عمومی بوده است، خلاف آراء برخی مستشرقین که گویند دعوت محمد (ص) ابتدا محلی بوده است و بعداً فراگیر شده است (فضل‌الله، 1419 ق.، ج 10: 263).

پس در همان آیات ابتدایی که نازل شد، دعوت پیامبر (ص) را عمومی اعلان کرده است، به‌خصوص با خطاب‌هایی مانند «إِيَّهَا النَّاسُ» که براساس کُتُب بلاغی و نحوی که اسم جمع معرفه به «ال» مفید عام است و پیامبر مأمور است که ندای حق را به تمام مردم برساند و عمومیت رسالت او برای تمام زمان‌ها تا روز قیامت و نیز برای همه‌ی بشر است.

رسالت نبی (ص) در افق گسترده‌ای و با هدف متعالی در خلال آیات قرآن، به‌ویژه، با هدف جهانی‌شدن آن مطرح است و آیات سوره نیز تأییدکننده‌ی این مطلب می‌باشد.

در ادامه‌ی بررسی سیر نزول آیات به این آیه می‌رسیم: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لَكِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَقَّكُمْ وَ أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (یونس / 104).

همانگونه که از آیه برمی‌آید، خطاب به همه‌ی مردم است، یعنی رسالت پیامبر مخصوص فرقه و گروه خاصی نمی‌باشد، بلکه او مأمور به هدایت تمام جهانیان می‌باشد که می‌فرماید: تو ای پیامبر به همه‌ی مردم بگو که اگر در دعوت من شک دارید، من تنها خدای یگانه را می‌پرستم که مرگ و حیات من به‌دست اوست.

«اگر شما در دین و شریعت من و مشروعیت آن شک و تردید دارید که دین من چیست و انگیزه و ریشه‌ی اصلی دعوت من را نفهمیده‌اید، به‌طور صریح به شما می‌گویم که من به‌هیچ‌وجه خدایان شما را نمی‌پرستم و تنها الله تعالی را می‌پرستم؛ همان خدای که جان شما را می‌گیرد؛ همان کسی که به تکذیب‌گران وعده‌ی عذاب و به مؤمنین وعده‌ی نجات داده است» (طباطبایی، 1378، ج 10: 196).

پیامبر باید در ابتدا اعراب را بیدار کند، چون آنها مخاطبان نخستین اویند، باید به آنها اعلان کند که آمده تا راه سعادت را به آنها بنماید و ریشه‌ی کفر و شرک و آلودگی‌ها را از دامن جامعه بشود.

خدا، پشتوانه‌ی رسالت جهانی

تا اینجا با اینکه پیامبر مأمور به اعلان رسالت به تمام مردم بوده است، اما این آیات به پیامبر می‌فرماید: «فَاَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ * إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ» (حجر / 94 و 95). پیام و رسالت خود را آشکار کن که خداوند خود، تو و دین تو را در امر تبلیغ دین محافظت می‌کند.

از اینجا فصل جدیدی از رسالت پیامبر آغاز شده است، زیرا مأموریت یافته پیام خویش را به گوش همگان برساند، پس مسیولیت او نیز سنگین‌تر می‌شود و خداوند نیز به

او آرامش می‌دهد تا بدانند تنها نیست.

«ای پیامبر دیگر مترس و کلمه‌ی حق را اظهار و دعوت خود را علنی کن و از مشرکین روی برتاب، برای اینکه ما شرّ مستهزئین را از تو کفایت کردیم و ایشان را به عذاب خود هدایت می‌سازیم» (همان، ج 12: 286).

محیط، محیطِ مکه است و روح تعالیم حقیقی در آنجا در میان قریشیان کمتر به چشم می‌خورد، اما پیامبر مأموریت یافته تا بدون ترس و واهمه و تقیّه ای، آشکارا آنها را به کارهای نیک فراخواند و از زشتکاری بازدارد و بداند که در این راه، کفایت حضرت حق او را بس است. پس تعالیم دینی رسالت نبوی آمده است تا حصار و مرزی بین درستی‌ها و نادرستی‌ها ایجاد کند و پیروان هریک از این دو گروه مشخص و جدا شوند. امر رسالت در اینجا سخت‌تر از پیش می‌شود، زیرا اگر تاکنون پنهانی تعالیم رسالت خود را برای عده‌ای خاص بیان می‌کرد، حال مأمور شده که ندای توحید حق را به همه‌ی مردم برساند.

هرچند گواهی آیات و سُورِ دیگر که قبل از این دو آیه‌ی سوره‌ی حجر نازل شده اند، پیامبر از همان آغاز نبوتش که در غار حرا در سنّ چهل سالگی بود، برای مردم تعالیم الهی را آموزش می‌دادند، اما به صورت علنی و آشکار، این موضوع از چهارمین سال پس از بعثت بود که خود مورد تأیید شواهد تاریخی است:

محمد بن سعد واقدی از جارتی بن ابی عمران، از عبدالرحمن بن قاسم، از پدرش نقل می‌کند، به پیامبر فرمان داده شد که دستوره‌ای خدا را ابلاغ کند و مردم را به سوی خدا فراخواند و از همان آغاز وحی شروع به دعوت فرمود - سه سال پوشیده دعوت می‌کرد تا آنکه با نزول آیات - مأمور به دعوت آشکارا شد (کاتب واقدی، 1374، ج 1: 186-185).

در مدت سه سال که از بعثت نبی (ص) می‌گذشت، دعوت آن حضرت مخفی بود که

فقط با اشخاصی که محلّ وثوق بودند، ارتباط داشت و تبیین رسالت می نمود (ابن‌اثیر، 1371، ج 7: 63).

بنابراین، بعد از گذشت این سه سال از بعثت پیامبر (ص)، در سال چهارم بعثت پیامبر دستور گرفت که با صدای رسا و به‌طور خصوصی و با گروه‌های خاصّی، تمام مردم را به آئین یکتاپرستی دعوت کند و آنها را به راه حق و عدل رهنمون شود.

در سیره‌ی ابن‌شام آمده است که در اسلام، اصول و دستورات برای مردم فرستاده شده است تا زمانی که ذکر اسلام و صحبت آن در مکه افشا شد و خداوند رسولش را امر کرد که آنچه بر او آمده، بیان کند و به امرش مردم را دعوت به سوی حق کند تا قبل از این رسول‌الله امرش را مخفی و مستتر کرده بود که خداوند در سال چهارم بعثت به پیامبر دستور فرموده که آنچه را به او رسیده، اظهار کند: «فَاَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ» (ابن‌هشام، 1355 ق، ج 1: 280).

مدّتی از مبعوث شدن پیامبر (ص) گذشته است. در طول این مدّت ، او توانسته است عده‌ای را پنهانی وارد دین الهی خود کند. حال با این تعداد از یاران، وارد مرحله‌ی تازه‌ای از زندگی رسالتی خود می‌شود و تکلیف او با مشرکان و مخاطبان معلوم می‌شود. او باید دین خود را تبلیغ کند و به مشرکان و افکار و اعمال آنها در قبال دعوت خود کاری نداشته باشد.

«سه سال پس از بعثت پیامبر دستور یافت تا همگان را به توحید دعوت نماید، پیامبر (ص) صبحگاهان بر فراز کوه ابوقبیس - یکی از کوه‌های مهم مکه - قرار گرفت و برای اعلان اولیّه‌ی رسالت خویش فریاد برآورد «واصباحا واصباحا» . مردم هراسان گرد حضرت (ص) جمع شدند. آن حضرت به ایشان فرمود: مرا می‌شناسید و سابقه‌ی مرا می‌دانید! اگر من به شما بگویم پشت این کوه سیلی عظیم یا دشمنی خطرناک در کمین است ، حرف مرا تصدیق می‌کنید؟! همگی شهادت دادند آری. آنگاه

پیامبر (ص) از روز قیامت و عذاب الهی خبر داد و اسلام و توحید را بر آنان عرضه فرمود، ولی آنان او را مسخره کردند و حاضر به قبول دعوتش نشدند (خسروی، 1385: 184-185).

«گرچه دعوت پیامبر (ص) در آغاز بعثت (دوران مکه) با برخی مخفی کاری‌ها، رازداری‌ها و تقیّه همراه بود، اما از این زمان به بعد او وظیفه یافته که در بیان اصول و مبانی دین صراحت و قاطعیّت داشته باشد و حمایت خداوند از او در برابر دشمنان، پشتوانه‌ی آن حضرت در آشکار و علنی کردن دعوت خویش و بی‌اعتنایی به مشرکان و دشمنان می‌باشد (هاشمی رفسنجانی و دیگران، 1381، ج 9: 294-296).

اینجا دیگر پیامبر نباید نگران ادامه‌ی راهش باشد، بلکه آیه‌ی 95، «إِنَّا كَفِينَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ»، تعلیل است که تو ای پیامبر شرایع دین را برای مردم بیان کن و نگران و ملتفت اعمال و کردار مشرکان نباش.

رسالت جهانی اسلام

تا اینجا خطاب‌ها به پیامبر، کلی است و بحث از ارشاد و هدایت تمام مردم است که پیامبر، رسولی است تا همه‌ی جهانیان را به سوی نور هدایت کند، لذا در این آیه می‌فرماید: «قُلْ أَيْ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَتَيْنَكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْرَى قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌُ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ» (انعام / 19). در این آیه تبیین فلسفه‌ی رسالت، خطاب به مشرکان مکه از سوی پیامبر (ص) می‌باشد.

وظیفه‌ی پیامبر (ص)، ابلاغ تعالیم وحی به تمام خلایق می‌باشد، چون این تعالیم از طرف خالق تمام آسمان‌ها و زمین و هرچه در آنهاست، فرستاده شده است، پس همه باید از این دستورات بهره ببرند و هدایت شوند، اما در ابتدا چون مخاطبان

پیامبر (ص) مردم قریش هستند و پیامبر دستور جدیدی مبنی بر مهاجرت از آن منطقه و دعوت جوامع دیگر نیافته، با آنان سخن می‌گوید و گرنه رسالت پیامبر همگانی است.

بنابراین، «و أوحی الی... من بلغ» دلالت دارد که رسالت آن حضرت عمومی و قرآن او ابدی و جهانی است و از نظر دعوت به اسلام هیچ فرقی میان کسانی که قرآن را از خود او می‌شنوند و کسانی که از غیر او می‌شنوند، نیست؛ به عبارت دیگر، آیه ی شریفه دلالت می‌کند بر اینکه قرآن کریم جحّت ناطقی است از ناحیه ی خدا و کتابی است که از روز نزول آن تا قیام قیامت به نفع حق و علیه باطل احتجاج می‌کند (طباطبایی، 1378، ج 7: 72-73).

مشرکین گمان می‌کردند که دعوت پیامبر (ص) در فضایی محدود و بدون پشتیبانی و بدون هدف می‌باشد و پس از مدّت کوتاهی از میان خواهد رفت، بی‌خبر از آنکه دعوت پیامبر همگانی و فراگیر است و همه را دربرمی‌گیرد و روزی فراخواهد رسید که خود مشرکان نیز خواسته یا ناخواسته، تسلیم امر نبی (ص) می‌شوند و ندای قرآن از هر کوی و برزن به گوش می‌رسد و تعالیم حق گسترده می‌شود و همه جا بوی حق و عدل خواهد گرفت.

طبری در تفسیر جامع‌البیان به نقل از مجاهد می‌گوید: «و من بلغ»، یعنی هرکس را که اسلام آورد، اعمّ از عجم و غیر از آنها (طبری، 1421 ق، ج 7: 190).

بنابراین، در وهله ی نخست، احکام و دستورات دین و رسالت، متوجّه مخاطبان اولیّه اش، یعنی اهل مکه می‌باشد، اما در مرحله ی بعد شامل همه ی کسانی می‌شود که قرآن به آنها می‌رسد و احکام و تعالیم آن را می‌خوانند، چنانکه در *روض الجنان* آمده است: «اهل عصر رسول (ص) و آنان که پس از ایشانند تا به دامن قیامت به قرآن مکلفند و مخاطبند و اگرچه از روی ظاهر، خطاب به اهل عصر رسول تعلق داشت. ابو الفتح

رازی نیز می‌نویسد: محمد بن کعب القرظی گفت: هرکس که قرآن به او رسید، همچنان باشد که رسول (ص) را دیده و از او شنیده است (خزائی نیشابوری، 1375، ج 7: 249-248).

بنابراین، رسالت محمدی (ص) و تعالیم و تکالیف آنکه در قرآن ناطق آمده است، محدود به عصر و مکان خاصی نمی‌باشد، بلکه دایره‌ی شمول آن به اندازه‌ی وسعت عالم است و تا قیام قیامت این دستورات پابرجاست و راهنمای مردم از جهل و شرک و چندگانه‌پرستی خواهد بود، زیرا پیامبر خاتم النبیین و دستورات او اکمل از همه‌ی تعالیم است و این را آیات قرآن گواهی می‌دهند: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» (مائده / 3) و «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَ لَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ ...» (احزاب / 40) که استاد مطهری درباره‌ی این آیه می‌فرماید: «تعبیر «خاتم النبیین» در آیه، یعنی با انزال حضرت محمد (ص)، نامه‌ی نبوت، کتاب نبوت، درس نبوت به پایان رسید و این علامت بسته‌شدن آن است، به طوری که هر که به هر نام که بعد از او بیاید و ادعا کند، معلوم است که مجعول و دروغ است و پیغمبر اسلام آخرین پیامبران است» (مطهری، 1376: 19-18).

انذار همگانی

آیه‌ی بعدی که بحث آن درباره‌ی اعلان رسالت پیامبر و شمول آن می‌باشد، چنین است: «وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مَبَارَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لِيُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَ مَن حَوْلَهَا وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» (انعام / 92).

این قرآن مخاطبش تمام مردم‌اند: «ای محمد (ص)! ما این کتاب را تصدیق کننده‌ی آنچه از پیش از کُتُب در نزد تو بوده، به سوی تو نازل کرده‌ایم، برای آنکه به وسیله‌ی آن از عذاب الهی و شدت آن بترسانی، هرکس را که در شهر مکه است و در اطراف آن از شرق

و غرب و نیز منکرین رسالت را و غیر آنان از گروه های کفار» (طبری، 1421 ق، ج 7: 314).

آشکارکردن دعوت برای هرکس که به پیامبر (ص) می‌رسد و با او دیدار می‌کند، برعهده‌ی آن حضرت است. او نه تنها باید قریش و مشرکان مکه، بلکه هرکس را که به او می‌رسد و با او دیدار می‌کند، از عذاب روز رستاخیز و رسیدگی به اعمال و کردار بترساند و به عاقبت نیک مؤمنان بشارت دهد.

نظر علامه طباطبایی

«غرض خدای تعالی از خلقت عالم این بوده که بشر را به سوی سعادت زندگی دنیا و آخرت هدایت کند و او را به وسیله‌ی وحی اِنذار نماید و قرآن کریم همین طور است، زیرا فرموده: «لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا»، مقصود، اِنذار اهل مکه و اهالی قرآ و شهرستان های روی زمین یا به گفته‌ی بعضی‌ها، بلاد مجاور آن است. این آیه دلالت دارد بر اینکه خدای تعالی عنایت خاصی به مکه دارد، چون مکه‌ی معظّمه، حَرَم خداوند است و دعوت اسلامی از آنجا شروع شد و به سایر نقاط عالم منتشر گردیده است» (طباطبایی، 1378، ج 7: 388).

اِنذارها و تبشیرهای قرآن شامل همه‌ی مردم می‌شود، یعنی هرکسی که قرآن را می‌خواند، باید از عاقبت سرگذشت گذشتگان که در آن آمده و وعیدهای آن خوف داشته باشد و در مسیر درست حق طیّ طریق کند و از وعده‌های آن شاد شود و در مجموع بداند که تمام این وعده و وعیدها به نفع خود بشر و برای هدایت او و کمک به سعادت او می‌باشد.

قرآن عربی برای تمام جهانیان

پیامبر مأموریت یافت تا رسالت خویش را به همه اعلان کند که محتوای بسیاری از

آیات این مضمون را تأکید می‌کند، زیرا کفر و عناد مشرکان بسیار بود، لذا پس از نزول چند سوره و آیه با محتوای تعلیم رسالت، در این آیه به پیامبر (ص) یادآوری شده است که: «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَأَرْيَبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ» (شوری / 7).

«خطاب آیه به نبی (ص) است که خداوند قرآن را به زبان عربی به سوی او وحی کرده تا اهل مکه و هرکس را که در اطرافش است، انذار کند و به سوی الله دعوت کند و از روز قیامت که شکی در آمدنش نیست، بیم دهد» (دروزه، 1421 ق، ج 4: 438).

پس وحی نازل شده از طرف خدا شامل تمام جهانیان است و متعلق به گروه، قبیله یا نژاد خاصی نمی‌باشد، بلکه همه را فرامی‌گیرد و پیامبر باید این انذار را به همه ی مردم برساند و اختلافات بین آنها را کم کند و همه را زیر پرچم توحید و حق و عدل گرد آورد.

«غرض از نازل کردن قرآن، فقط انذار عرب‌زبان‌ها نیست، بلکه دعوت پیامبر اسلام در جهانی شدنش، تدریجی و مرحله به مرحله است و در مرحله ی اول نیز مأمور بود تا فقط خاندان و عشیره‌ی خود را دعوت کند: «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعرا / 214) و در مرحله ی دوم مأمور شد آن را به تمام عرب ابلاغ کند: «قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (فصلت / 3) و در مرحله ی سوم هم مأمور شد تا آن را به عموم مردم برساند: «وَ أَوْحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ» (انعام / 19) (طباطبایی، 1378، ج 18: 21).

«چون اهل مکه نخستین مخاطبان دین بوده اند، حکمت الهی اقتضا می‌کرد که قرآن، عربی باشد و مقصود آیه از انذار اهل مکه و اطرافش، یعنی همه ی مردم - ردّ بر عقیده‌ی کفار مبنی بر انکار رسالت جهانی محمد (ص) می‌باشد» (عاشور، بی‌تا، ج 25: 107-106).

رحمت برای همه

در این بررسی، این آیات، آخرین آیاتی است که به طور مستقیم اعلام می کند که رسالت پیامبر (ص)، همگانی است. ناگفته نماند که به طور پراکنده و غیر مستقیم در آیات دیگر نیز بحث اعلان رسالت آمده است و قرآن یک مجموعه‌ی به هم پیوسته است. اما خداوند می فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ * قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌُ وَاحِدٌ فَهَلْ أُنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (انبیاء / 107 و 108).

پیامبر برای هدایت تمام انسان‌ها ندای توحید سر داده است و اینکه الله او را - که پیش تر به «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم / 4) وصف فرموده و از سوی قریشیان نیز به «امین» ملقب شده بود - فرستاده تا به سوی خیر فراخواند و از بدی باز دارد.

«سعید بن جبیر از ابن عباس نقل کرده که گفت: محمد (ص) رحمتی برای تمام مردم بود، پس هرکس به او ایمان بیاورد و تصدیقش کند، سعادتمند می شود و هرکس به او ایمان نیاورد، به آنچه از خسران و غرق بدبختی شامل امم پیشین شده، شامل آنها هم می شود و خداوند شایسته‌ی شریک داشتن نیست و همه باید تسلیم او شوند» (انصاری قرطبی، بی تا، ج 11: 350).

این نکته هم افزودنی است که پیامبر (ص) برای همه‌ی مردم عالم به صورت یکسان رحمت است. او مانند ابر بارنده‌ای است که باران خود را بر هر جا و هر کس فرومی بارد؛ یا چون خورشید است که به همه جا و همه کس نور می افشاند، چون پیامبر اسلام ، رحمت عالمیان است، خدای تعالی می خواهد بر سراسر عالم سروری یابد تا وراثت زمین به صالحان و وارثان آن تعلق گیرد و این بشارتی است که هر مومنی برای تحقق آن بکوشد (مدرسی و اتابکی، 1378، ج 7: 314-313).

عموم مردم دنیا اعم از سیاه و سفید و مرد و زن و فقیر و غنی و همه و همه ، مشمول رحمت الهی هستند و رسول اکرم (ص) به گواهی این آیه و آیات دیگر از مصداق های

رحمت الهی است.

«این آیه اشاره‌ای به خاتمیّت پیامبر اسلام دارد که وجودش برای همه ی انسان های آینده تا پایان جهان، رحمت است و رهبر و پیشوا و مقتدا. آری او و دستوراتش، برنامه و اخلاقش، همه رحمت است؛ رحمتی برای همگان و تداوم این رحمت سرانجامش حکومت صالحان بر تمام معموره‌ی زمین خواهد بود (مکارم شیرازی و دیگران، 1359، ج 3: 257-256).

این است رسالت الهی که جامعه را از فساد و نادانی و زشتکاری که دامگیرش شده ، پاک می‌کند و خداوند پیامبر را بر آنان می‌فرستد تا آنان را از منجلاب نابودی و هلاکت برهاند و هیچ‌کس نمی‌تواند مانع از آن شود و خدا یاری‌اش می‌کند و او نیز مؤید و مصدّق انبیاء پیشین خود و منشاء خیر و رحمت است.

نتیجه‌گیری

از اینکه خطاب‌ها در سُورِ مَکّی بیشتر به شکل عام مانند «یا ایُّهَا النَّاس» است، معلوم می‌شود که علی‌رغم تصوّر برخی، از همان ابتدا رسالت پیامبر (ص) فراگیر بود ، اما به‌صورت مرحله به مرحله پیش رفته است تا به جایی رسیده که در مدینه همه ی قبایل و نژادها با هم برادر شدند و به دین اسلام درآمدند و او حکومت جهانی تشکیل داد و این زمانی بود که شرایط مهیّا شده بود و دل‌ها آماده‌ی پذیرش حق و احکام و دستورات الهی بود.

این یک امر طبیعی است که برای هر کاری، چه بزرگ و چه کوچک، ابتدا باید مقدمات و شرایط فراهم آید و رسالت نبی (ص) نیز از این امر مستثنی نیست، بلکه با اینکه دعوت او فراگیر است، با وجود این آرام‌آرام پیام‌ها و تعالیم دعوت خود را به مردم می‌آموزد تا زمانی که خود مردم اقدام به کار خیر کنند و بدین‌وسیله پایه‌های حکومت اسلامی جهانی،

محکم و استوار شود.

شهرستانی در *ملل و نحل* می نویسد: «اسلام، دین جامع است و به وسیله ی آن رسالت برای تمام بشر مورد هدف است که عدل را در بین تمام مردم به پا کند و تمام فرصت ها را برای همه ی کسانی که به دست سلاطین مورد ظلم و ستم قرار گرفته اند، آماده کند که با کرامت انسانی زندگی کنند» (شهرستانی، 1387 ق: 108).

در پایان، لازم به یادآوری است که وظیفه ی هر مسلمان، به خصوص قشر جوان و دانشجو (و هر جوینده ی علم و دانش) است که با دیدی گسترده و افقی روشن و باز، توطئه های دشمنان علیه دین و قرآن و اسلام را خنثی کند و در پی پاسخگویی به اشکالات آنها باشد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- ابن اثیر، عزالدین علی (1371). *کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران* ترجمه ی ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی. تهران: مؤسسه ی مطبوعاتی علمی.
- ابن هشام (1355 ق.). *سیره النبویه بی جا*: مطبعة المصطفی البابی الحلبی و اولاده بمصر.
- انصاری قرطبی، محمد بن احمد. *بی تلامح مع الأحكام القرآن* بی جا: دارالکتاب العربی.
- خزائی نیشابوری، حسین بن علی بن محمد بن احمد (1375). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن* مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
- خسروی، محبوبه (1385). *جغرافیای نزول قرآن* قم: سلوک جوان.
- دروزه، محمد عزة (142 ق.). *التفسیر الحدیث ترتیب السور حسب النزول* چاپ دوم. بیروت: دار الغرب الإسلامی.

- شهرستانی، ابوالفتح احمد. (1387 ق.). *الملل و النحل* قاهره: شرکت مکتبه و مطبعة مصطفی البابی و الحلبي و اولاده بمصر.
- طباطبایی، سید محمدحسین (1378). *المیزان فی التفسیر القرآن* ترجمه‌ی محمدباقر موسوی همدانی. چاپ بیست و پنجم. بی‌جا: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه‌ی علمیّه‌ی قم.
- طبرسی، امین‌الاسلام. (1415 ه. ق.). *مجمع‌البیان* بیروت - لبنان: مؤسسه‌ی الأعلمی للمطبوعات.
- طبری، محمد بن جریر. (142 ق.). *جامع‌البیان عن تأویل آی القرآن* تفسیر الطبری چاپ اول. بیروت - لبنان: دار احیاء التراث العربی.
- عاشور، محمد بن طاهر. (بی‌تألیف) *تحریر و التئویری* بی‌جا.
- فضل‌الله، سید محمدحسین. (1419 ق.). *من وحی القرآن* بیروت: دارالملاک الطباعة و النشر.
- کاتب واقدی، محمد بن سعد. (1374). *طبقات*. به کوشش محمود مهدوی دامغانی. تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
- مدرّسی، سید محمدتقی و پرویز اتابکی. (1378). *تفسیر هدایت مشهد*: به نشر.
- مطهری، مرتضی. (1376). *خاتمیت* چاپ دهم. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (1359). *تفسیر نمونه* چاپ بیست و چهارم. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- نکونام، جعفر. (1380). *درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن کریم* تهران: هستی‌نما.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر و دیگران. (1381). *تفسیر راهنما* چاپ اول. قم: بوستان کتاب.